

اشاره

در آستانه سالگرد شهادت استاد مطهری و هفته معلم، فرصتی دست داد تا با معاونت محترم آموزش و پژوهش دبیرخانه شورای برنامه ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت، گفتگویی پیرامون شخصیت متفکر شهید استاد مطهری داشته باشیم که بدین وسیله تقدیم می گردد، امید است مورد توجه شما خوانندگان محترم فصلنامه حبل المتین قرار گیرد:

اصل مقاله

حبل المتین: با عرض سلام و خسته نباشید خدمت شما، از این که محبت فرمودید و فرصتی را در اختیار فصلنامه حبل المتین قرار دادید تا گفتگویی را با شما داشته باشیم، تشکر می کنیم. اگر اجازه بفرمایید با این سؤال شروع کنیم که دیدگاههای حضرت امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب را در خصوص استاد چگونه ارزیابی می فرمایید؟

بسم الله الرحمن الرحيم؛ قبل از هر چیز لازم می دانم از جنابعالی و همه عزیزان دست اندکار فصلنامه وزین حبل المتین تشکر کنم، هم چنین سالگرد شهادت استاد مطهری و هفته معلم را گرامی می دارم و آن را به آحاد مدرسین و معلمین و اساتیدی که در حوزه ترویج علم و اندیشه های اسلام ناب زحمت می کشند، تبریک عرض می کنم. در خصوص اولین سؤال شما باید عرض کنم کمتر شاگردی را سراغ داریم که اساتیدشان آن گونه که امام راحل و علامه طباطبایی درباره شهید مطهری تمجید کرده اند از شاگردان خود تعریف و تمجید کرده باشند. حالا من برخی از تعابیری که حضرت امام درباره شهید مطهری داشته اند برای شما نقل می کنم که واقعاً قابل توجه است. عباراتی مانند: «کم نظیر در اسلام شناسی»، «اسلام شناس عظیم الشأن»، «متفکر و فیلسوف و شخصیتی که عمر شریف خود را در راه اهداف مقدس اسلام سپری کرد». اینها تعابیر خیلی بلندی است، یعنی استاد ایشان که امام است، با آن مقام و درجه رفیع علمی درباره شاگردشان این گونه تعبیرها را که نشان از اهمیت و عظمت منزلت شهید مطهری در نزد ایشان است بیان می کند. یک نکته در خور توجه در پیامهای امام در خصوص آثار شهید مطهری است که می فرماید: تمام آثارش بلا استثنا مفید است، واقعاً ما چند تا شخصیت سراغ داریم که حضرت امام، این گونه در باره شان سخن گفته باشد؟ این امر نشان از جایگاه بسیار والای شهید مطهری نزد حضرت امام دارد. به همین جهت است که امام در شهادت ایشان خیلی متأثر شدند. این نکته

اول که نشان می‌دهد استاد مطهری ویژگیهای خاصی داشتند و عمر خودشان را صرف ترویج دین و اندیشه‌های اسلام ناب کردند.

هم‌چنین مقام معظم رهبری نکته‌های قابل توجه و ارزشمندی را مطرح فرمودند. تعبیر ایشان این است: مطهری «صاحب اندیشه ناب اسلامی»، «معرف پایه‌های تفکر اسلامی است»، «متفکری دین‌شناس» و «پهلوان مبارزه با التقات»، یعنی کسی که اندیشه‌های انحرافی را پالایش کرد. این تعبیر نشان می‌دهد که مقام معظم رهبری روی اندیشه‌های ایشان توجه داشتند و می‌دیدند که ایشان به میدان آمده برای جهت دادن تفکرات به سمت اسلام ناب. تعبیری دیگر که مقام معظم رهبری دارند: «مشعل میدان اندیشه» که خیلی تعبیر زیبایی است. کسی که مشعل دارد در واقع راه را نشان می‌دهد و مطهری مشعل میدان اندیشه و پایه‌گذار تفکر ناب اسلامی است. باز تعبیر دیگر ایشان این است که استاد مطهری «دیده بان جبهه اعتقادی است». یک دیده‌بان اعتقادی، یک تئولوژیست و متکلم، کسی است که در واقع همه عرصه‌ها را رصد نموده و در آن دقت می‌کند، چطور در منطقه نظامی یک دیده‌بان وضعیت دشمن را بررسی می‌کند و به به نیروهای خودی خبر می‌دهد؟ در بعد علم و اندیشه هم می‌بینیم که شهید مطهری همین کار را انجام می‌داد و از مرزهای اعتقادی و اندیشه‌های دینی مراقبت می‌کرد. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «دیده بان جبهه اعتقادی است» یعنی تا می‌بیند این شبهه مطرح است این سؤال مطرح است این اندیشه انحرافی به وجود آمده، ضمن شناسایی آن، در صدد پاسخ‌گویی به سئوالات بر می‌آید، که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. باز ایشان می‌فرماید: «نیاز اساسی انقلاب تحقق تفکرات شهید مطهری است»، یعنی اگر بخواهد انقلاب استمرار پیدا کند و حفظ شود این تفکر و مشعل‌داری و خط فکری مطهری است. این اندیشه‌های ناب استاد مطهری است که می‌تواند از انقلاب و کیان انقلاب حمایت کند. در تعبیر دیگری دارند که «مبنای نظام فکری، جمهوری اسلامی است». اینها دست به دست هم می‌دهند و مشخص می‌کنند که شخصیت شهید مطهری در دیدگاه مقام معظم رهبری بسیار والاست. مقام معظم رهبری تعبیر دیگری دارند که می‌فرمایند: «من خودم را شاگرد مطهری می‌دانم نه اینکه من پیش ایشان درس خوانده باشم، ولی از این بُعد که ایشان یکی از عناصری بود که بنیه اصلی فکر من را پایه‌گذاری کرد من خودم را شاگرد ایشان می‌دانم». این تمجید توسط شخصیتی هم‌چون مقام معظم رهبری با آن جایگاه علمی و فقهیشان از شخصیت شهید مطهری، جایگاه علمی و فقهاتی استاد را نشان می‌دهد و می‌طلبد از این ظرفیتی که وجود دارد اندیشمندان ما حداکثر استفاده را بکنند.

حبل‌المتین: ابعاد شخصیتی استاد مطهری را در زمینه‌های اخلاقی، عرفانی، علمی و پژوهشی بیان فرمایید و چه نقاط ضعف و قوتی را در این زمینه رصد کرده‌اید؟

آنچه که در خصوص استاد مطهری قابل توجه است، جامع‌الاطراف بودن شخصیت ایشان است. در طول تاریخ کمتر شخصیتی را سراغ داریم که در همه ابعاد صاحب‌نظر باشند، شهید مطهری از جمله شخصیت‌هایی بود که در ابعاد مختلف صاحب‌نظر بودند و توانستند به لحاظ فکری و معنوی در سطح بسیار بالایی قرار بگیرند. در بعد اخلاقی و معنوی ایشان زبانزد خاص و عام است؛ همسر ایشان تعبیری دارد که «من در طول چندین سال که با ایشان بودم ایشان را نیم ساعت بدون وضو ندیدم» یعنی همیشه ایشان دائم‌الوضو بودند، خوب است آحاد روحانیان و طلاب از این شخصیت الگو بگیرند. از نکته‌هایی که در بعد معنوی ایشان قابل توجه است این است که نقل می‌کنند که «ایشان همواره در کلاس تدریس که حضور پیدا می‌کرد با وضو بودند» و این خودش اثر معنوی ایجاد می‌کرد و خیلی قابل توجه است یعنی این نکته را خوب است که اساتید و مدرسین ما توجه داشته باشند که وقتی در کسوت تدریس و تعلیم قرار می‌گیرند در آن جایگاه ورود پیدا می‌کنند تأسی کنند به شخصیتی مثل مطهری و با وضو و با طهارت باشند. این خودش اثر معنوی دارد. شهید مطهری می‌فرمودند که «دانشگاه به منزله سنگر علمی است» و دانشگاه را به منزله مسجد می‌دانستند و می‌فرمودند که «سعی کنید در دانشگاه بدون وضو وارد نشوید» این چقدر تأثیر می‌گذارد. یعنی من دانشجو من استاد من طلبه وقتی در محیط علم ورود پیدا می‌کنم، وقتی وارد می‌شوم در فضای تعلیم و درون فضاها علمی نسبت به این مسئله توجه داشته باشم.

بحث تزکیه نفس ایشان قابل توجه است. ایشان خیلی اهل مراقبه بودند، اهل تهذیب بودند و خیلی رعایت می‌کردند این ویژگی‌های معنوی شهید مطهری است. بزرگان ما نقل می‌کنند که شخصیت شهید مطهری این‌گونه بوده و خود حضرت امام هم تعبیری دارد که «مطهری در طهارت روح و قوت ایمان کم‌نظیر بود». لذا بی‌اعتنایی به شهرت از دیگر ابعاد شخصیت ایشان بود.

در بُعد مسائل علمی و پژوهشی ایشان شخصیتی بودند که بسیار وقت می‌گذاشتند برای اینکه بتوانند مسائل را حل کنند و شبهات را بررسی کنند و پاسخگو باشند با همه قدرت و توانشان وارد می‌شدند و به همین جهت آثار ایشان بعد از مدتها هنوز اثر خود را دارد و قابل استفاده است این ابعاد شخصیت معنوی و علمی ایشان. با این حال ایشان تواضع علمی فوق‌العاده‌ای داشت و آن جنبه‌های علمی باعث نمی‌شد که در او خوی تکبر و زمینه‌های منیت به وجود بیاید.

دیگر این - که ایشان جامع - نگری عجیبی داشتند به جهت اینکه همه ابعاد مسئله را می - دیدند تا بتوانند پاسخ دقیقی بدهند این از ویژگیهای علمی ایشان بود.

حبل - المتین: جناب آقای دکتر، شما چون بعد علمی و پژوهشی استاد را مطرح کردید، به نظر می - رسد این سؤال مناسبت داشته باشد که از رمز جاودانگی افکار و آثار استاد مطهری بپرسیم ، لطفاً این مسئله را تبیین فرمایید؟

در خصوص کارهایی که شهید مطهری کردند از آنجایی که با همه وجودشان وقت گذاشته بودند و سعی می - کردند عالمانه و مخلصانه نکته - ها، زمینه و ریشه - های انحراف را شناسایی و در صدد پاسخ برآیند. این باعث شده بود که نگاه ایشان عمیق باشد، یکی از ویژگیهای دیده - بان اعتقادی این است که بتواند تتبعش را عمیق کند تا هم باور عمیق در وجودش به وجود آید و هم بتواند تأثیرگذار باشد، به همین جهت وقتی که شروع می - کرد و دست به قلم می - شد با همه وجودش اقدام می - کرد و این باعث شد که آثار ماندگاری در قلم ایشان به وجود بیاید. نکته اول در رمز جاودانگی، باور عمیق ایشان به اسلام ناب بود و این خیلی مسئله مهمی است. چون باور عمیق بود تتبعش هم اوج گرفته بود عمیق شده بود و بنابر نظر خودش در کتاب عدل الهی «هرجا که احساس مسئولیت می - کرد، قلم به دست می - گرفت» من در کتاب رمز موفقیت استاد مطهری در خصوص دقت علمی ایشان نوشتم که ایشان می - گوید «نشدمن یک صفحه چیزی را بنویسم بعد بگویم آن صفحه اشتباه بوده و از بین ببرم» ایشان در تتبعش در بررسی و شناسایی مسائل و شبهات بسیار عمیق بود. طبیعی است کسی که با این عمق ورود پیدا می - کند آثاری که از خودش به وجود می - آورد آثار ماندگار است. یعنی تتبع عمیق، باور عمیق، زمینه - های ماندگاری آثار را به وجود می - آورد. نکته دیگر بحث شناسایی زمان و خطرات و ترندهای دشمنان در ابعاد مختلف است. این هم نکته - ای است که ما در آثار ایشان می - بینیم. ایشان آینده را جلوتر می - دید به تعبیر آیت الله مهدوی کنی «شهید مطهری ده سال جلوتر از ما بود» من می - خواهم عرض کنم که ایشان ۴۰ سال جلوتر از ما بود. به جهت اینکه مسائلی که ایشان آن زمان پیش - بینی کرده بود الآن مطرح می - باشد. مثلاً ایشان در یکی از عباراتشان فرمودند که «می خواهند عرفان منهای مذهب را جا بیندازند عرفان منهای خدا را مطرح کنند» این خیلی عجیب است که شخصیتی مثل مطهری آن زمان تشخیص داده بود، چون نگاه به آینده داشت باعث شد که ماندگاری آثار ایشان بیشتر جلوه گری کند و ما می بینیم که آثار ایشان هنوز که هنوز است به جهت اینکه مخاطب شناسی و نیاز شناسی می - کرد و چالشها را بررسی می - کرد آثارش ماندگاری و جاودانگی خودش را دارد. نکته مهم دیگر اخلاص ایشان و سوز دینی ایشان بود که اینها را کنار هم

بگذاریم مجموعه‌ای را شکل می‌دهد که موجب ماندگاری آثار ایشان گردیده است.

حبل المتین: با توجه به اینکه مخاطبین عمده فصلنامه حبل‌المتین طلاب و روحانیان اهل‌سنت می‌باشند، نظرات استاد را در خصوص جایگاه روحانیت و همچنین وظایف روحانیت در جامعه بیان فرمایید؟

در خصوص بحث روحانیت، شهید مطهری نسبت به روحانیت و جایگاه روحانیت بسیار حساس بودند و معتقد بودند که روحانیت امروز در حفظ و تداوم انقلاب نقش بسیار مهمی دارد. آحاد روحانیان ما چه شیعه و چه اهل‌سنت چه طلبه‌ها و چه مدرسین در هر مقام و مسئولیتی باشند چه امام جمعه باشند و چه امام جماعت، کسی که لباس مقدس روحانیت به تن کرده امروز در تداوم انقلاب و حفظ انقلاب نقش اساسی دارد و به تعبیر شهید مطهری «در صف اول حرکت هدایتی باید پیشتازی خودش را حفظ کند و اوج ببخشد». این تعبیری است که شهید مطهری درباره جایگاه روحانیت دارد و این نشان می‌دهد که امروز روحانیت ما، مدرسین ما، طلاب ما، ائمه جماعات چه شیعه و چه سنی فرقی نمی‌کند، همه و همه این تکلیف بر دوشان است که نسبت به انقلاب نسبت به اهداف و سیاستهای انقلاب نسبت به مطالبات حضرت امام و مقام معظم رهبری پیشتاز باشند و شهید مطهری در این مسئله بارها و بارها سخن به میان آورده و می‌فرماید «در آینده این انقلاب نیاز زیادی به روحانیت دارد». این نیازی که در اول انقلاب به روحانیت بوده هرچه جلوتر برویم بیشتر می‌شود و این نشان می‌دهد که شهید مطهری نقش هدایتی روحانیان را چه شیعه و چه اهل سنت در حفظ آرمانهای انقلاب و تداوم آرمانهای انقلاب بسیار بالا می‌دیدند. نکته قابل توجه زمان‌شناسی روحانیت است که شهید مطهری معتقد بود که روحانیان ما باید زمان شناس باشند این خیلی مسئله مهمی است که ایشان مطرح می‌کردند. در زمان شناسی، ایشان خود الگو بود که شخصیتی مثل آیت الله مهدوی بفرمایند «ایشان ده سال جلوتر از ما را می‌دید» و بلکه بالاتر. روحانیان دیگر باید این‌گونه باشند. امروز مدرسین ما در مدارس، طلاب ما در مدارس چه شیعه و چه اهل‌سنت این وظیفه مهم را به دوش دارند و می‌طلبند که با تأسی به بزرگوارانی مثل شهید مطهری این جایگاه را حفظ کنند.

اینکه شهید مطهری عالم به زمان بودند نکته بسیار مهمی است، امروز شبهاتی را که مطرح می‌شود این روحانیان هستند که باید شبهات را بررسی کنند و شبهه شناسی کنند و نقشه‌ها و کید دشمنان را در بحث ایجاد تفرقه، در تجزیه کردن در فرقه فرقه کردن، این روحانیان هستند که باید شناسایی کنند ترفندهای دشمنان را و مطرح کنند و پاسخگو باشند. روحانیان، مدرسین، ائمه جماعات، ائمه جمعه و کسانی که در کسوت تبلیغ دین

برمی‌آیند و دیگران را تعلیم می‌دهند می‌طلبند که به فرمایشات استاد مطهری تأسی کنند و نسبت به شبهات و ترفندهای دشمنان دیگران را بیدار کنند. این جایگاه خطیر روحانیت است که شهید مطهری نسبت به این مسئله بسیار توجه می‌دادند.

حبل‌المتین: یکی از توجهات و دغدغه استاد، مسئله فلسطین مظلوم و نامشروعیت رژیم اشغالگر قدس بود، دیدگاه استاد را در خصوص قدس و مسئله فلسطین بیان فرمایید؟

این بحث بسیار مهمی است که نشان می‌دهد چقدر شخصیتی مثل شهید مطهری آینده‌شناس بودند و به آینده توجه داشتند و آن زمان نسبت به مسئله فلسطین اظهار نظر کرده بودند و نسبت به ترفندهای دشمنان بیدار و هشیار بودند. ایشان تعبیر عجیبی دارد می‌فرماید «اگر پیامبر اسلام زنده بود امروز چه می‌کرد؟ و درباره چه مسئله‌ای می‌اندیشید والله و بالله قسم می‌خورم که پیامبر اکرم در قبر مقدسش از یهود می‌لرزد اگر کسی نگوید گناه کرده، من اگر نگویم والله مرتکب گناه شدم همه ما در برابر این قضیه مسئولیم» امروز با توجه به موقعیت ژئوپولیتیکی خاورمیانه همه ترفندهای دشمن در راستای از بین بردن اتحاد مسلمانان و از بین بردن آحاد مسلمانان است آن زمان ایشان نقشه‌های دشمن و نقشه‌های یهود را شناسایی کرده بود این تعبیر ایشان است «به خدا قسم ما غافل هستیم» متأسفانه دول اسلامی، پادشاهان و سران کشورهای اسلامی نسبت به مسئله فلسطین آن‌گونه که نظام جمهوری اسلامی ایران به میدان آمد آن‌گونه که امام و مقام معظم رهبری به میدان آمدند و آن‌گونه که شایسته بود به میدان نیامدند ایشان آن زمان می‌فرمود «والله قضیه‌ای که دل پیامبر اکرم را امروز خون کرده است قضیه فلسطین است». این خیلی تعبیر بلندی است که نشان می‌دهد شهید مطهری آن زمان هم نسبت به ترفندهای بیگانگان آگاه بود که دشمن دارد قضیه فلسطین را به گونه‌ای مطرح می‌کند که به اهدافش برسد عبارات شهید مطهری در بحث فلسطین نشان از بیداری ایشان و جایگاه فلسطین و نقشه‌های سوء دشمنان نسبت به این مسئله مهم است که مطرح شد.

حبل‌المتین: با توجه به اینکه فصلنامه حبل‌المتین رویکرد تقریبی و هم‌گرایی دارد، این سؤال مناسب است: استاد به عنوان یک نظریه‌پرداز دارای دغدغه و نيزاندیشه‌های تقریبی در خصوص جایگاه وحدت بین مسلمانان اعم از شیعه و اهل سنت چه نظراتی داشتند؟

در بحث مسئله وحدت و نگرش تقریبی یکی از شخصیت‌هایی که نظراتش بسیار قابل توجه است، شهید مطهری است. ایشان به این مسئله توجه داشت و بارها نقشه‌های دشمن را تذکر داد که دشمن الآن دارد کار می‌کند تا

اندیشه قومیت پرستی و ملیت پرستی را در کشورهای اسلامی اوج بخشد و این نقشه استعمار است دشمن کار می‌کند که قومیتها مطرح شود ملیتها مطرح شود و آن نگاه اتحاد و وحدتی که در بین مسلمانان کشورهای اسلامی است را از بین ببرد. ایشان آن زمان پیش‌بینی کرده بود که نزاع شیعه و سنی و قطعه قطعه کردن سرزمین اسلامی همه از ترفندهای دشمن است و دشمن می‌داندست و می‌داند آن گاه می‌تواند موفق شود که این بحث تجزیه و قطعه قطعه شدن مسلمانها در کشورهای اسلامی به وجود بیاید. دشمن به تعبیر شهید مطهری می‌داند که اگر یکدست و یک شکل باشند و اتحاد پیدا کنند قطعاً نابودی استعمار و دول استکباری را به همراه خواهد داشت. به همین جهت ایشان به این مسئله بسیار توجه داشتند و پیش‌بینی کرده بودند و معتقد بودند که ما نسبت به بحث وحدت همه موظف هستیم، آحاد مسلمانان مکلف هستیم که نسبت به این مسئله احساس وظیفه کنیم و به کسانی که زمینه‌های وحدت را اوج بخشیدند تاسی کنیم. ایشان در تعابیر خودشان جمله‌ای دارند که «مرحوم کاشف الغطا(ره) می‌فرماید که اسلام بر دو پایه استوار است کلمه توحید و توحید کلمه» این تعبیر را شهید مطهری در جلد ۲۵ مجموعه آثارشان آوردند که «اسلام بر دو اصل بنا شده است یکی اصل پرستش خدای یگانه و دیگری اتفاق و اتحاد جامعه اسلامی. اگر این اتفاق و اتحاد جامعه اسلامی شکل گیرد آن زمینه‌های عزت و عظمت مسلمانان رقم خواهد خورد». باز ایشان در بحث وحدت می‌فرمایند «اگر مسلمانان اتحاد داشته باشند، قوی خواهند شد». ما امروز این را می‌بینیم. تعبیری امام(ره) دارد که «اگر مسلمانان همه یک سطل آب بریزند روی اسرائیل آب، اسرائیل را از بین می‌برد» و آنها هم طبیعی است که می‌خواهند مقابله بکنند و تجزیه بوجود آورند تا این اتفاق نیفتد. تعبیر ایشان این است که البته همه وظیفه داریم وحدت را دنبال کنیم، باز از تعابیری مهم ایشان این است که می‌فرماید: «یکی از نکته‌هایی که زمینه‌های تفرقه را به وجود می‌آورد سوء تفاهم است، از ابتلائات مسلمین است که نسبت به مذهب یکدیگر آشنایی کافی ندارند لذا باعث شده که زمینه‌های سوء تفاهمات اوج گیرد اختلافات بیشتر شود. البته ایشان توضیح می‌دهد که «من نمی‌خواهم ادعا کنم که همه اختلافات مسلمانان از روی سوء تفاهم است بلکه معتقدم شکافهایی که ناشی از خوب درک نکردن یکدیگر است باید از بین برود». بالاخره ما که کتاب واحدی داریم، پیامبر واحدی داریم، قبله واحدی داریم حتی اعمال و عبادات واحد داریم، همه مسلمانان در یک ماه مشخص روزه می‌گیرند و ... این همه اشتراکات داریم و باید از این ظرفیتها و اشتراکات استفاده کنیم. و جنبه‌های افراطی و تفریطی که نسبت به اعتقادات یکدیگر مطرح می‌شود را کنار بگذاریم و حرف همدیگر را درک کنیم. تعبیر استاد این است که «می‌توانیم خیلی از اختلافات را کنار بگذاریم، مسلمانان از نظر اختلافات مذهبی طوری نیستند که نتوانند

وحدت داشته باشند». هدف ما این است که همه فرقه‌ها و مذاهب اسلامی یکدیگر را آن‌طور که هستند بشناسند و تصور کنند، مذهب شیعه این است، مذهب شافعی این است. ما همان گونه که هستیم همدیگر را بشناسیم و این باعث می‌شود که اختلافات خودش را کمتر نشان دهد و ایشان فرق بین حسن تفاهم و سوء تفاهم را مطرح می‌کند و می‌فرمایند: امان از سوء تفاهمات. این سوء تفاهمات است که اختلاف ایجاد می‌کند. تهدیداتی که از ناحیه سوء تفاهمات بیجا و خوب درک نکردن یکدیگر متوجه مسلمین شده این تهدید بیشتر از آن است که از ناحیه خود اختلافات مذهبی است. می‌گوید خود اختلافات مذهبی زیاد مشکل نیست مشکل ما از سوء تفاهمات است، این تعبیر «امان از سوء تفاهمات» تعبیر بلندی است که ایشان در مجموعه آثارشان در جلد ۲۵ به آن پرداخته و ما باید این هشدار ایشان را جدی بگیریم، به ویژه در شرایط کنونی جهان اسلام که درگیری و نزاع فرقه‌ای و مذهبی توسط قدرتهایی شیطانی زیاد و خطرناک شده است، ما روحانیان و مدرسان، ما طلاب و همه آحاد مسلمانان باید بتوانیم به این نگاه تقریبی، این نگاه وحدت بخشی که شهید مطهری داشت، تأسی کنیم و بتوانیم این شاء الله این راه وحدت بخش را ادامه بدهیم.

حبل المتین: جناب استاد شما به عنوان یک روحانی که در کنار حوزه در دانشگاه نیز تدریس کرده‌اید، فلسفه حضور استاد در دانشگاه و نقش ایشان را در وحدت حوزه و دانشگاه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من اینجا به عنوان مقدمه عرض کنم که استاد مطهری هر جا که احساس نیاز می‌کرد، حضور پیدا می‌کرد. من در قسمت قبل اشاره کردم که وقتی ایشان احساس می‌کرد نیازی وجود دارد قلم به دست می‌گرفت و می‌نوشت. اگر ایشان کتاب عدل الهی نوشت به جهت همین احساس نیاز بود و اگر ایشان ورود به دانشگاه پیدا کرد به جهت نیازی بود که در دانشگاه وجود داشت. نیاز به شخصیت فرهیخته و اندیشمندی چون شهید مطهری که بتوانند پاسخگوی نیازهای زمان خودشان و مخاطبان خاص خودشان باشند و ما نگاه می‌کنیم که شهید مطهری وارد شد در فضای دانشگاه و توانست بسیاری از مسائل و شبهاتی که مورد مطرح بود پاسخ بدهند. پس ورودشان به جهت نیاز دانشگاه به ایشان بود. استاد مطهری یک تعبیر خوبی دارد و می‌فرماید: که ما موظفیم مکتب را صحیح عرضه کنیم، وقتی فطرت جوان دانشجو به دنبال حقیقت است و می‌خواهد به حقیقت برسد آن وقت طبیعی است اگر کسی بیاید مکتب و دینی که با فطرت انسان تطبیق دارد به صورت صحیح به این جوان عرضه کند قطعاً شیفته آن مکتب و حتی شیفته عرضه کننده آن می‌شود. شهید مطهری دقیقاً همین کار را انجام داد و این نیاز را مطرح کرد، ایشان می‌فرماید: «مگر می‌شود تشنگانی که برای جرعه‌ای آب له له می‌زنند از نوشیدن آب موجود به عذر اینکه آلوده است منع کرد وقتی کسی تشنه است دنبال آب است ما وظیفه داریم که او

را سیراب کنیم و نیازش را برآورده کنیم». ایشان می‌گوید «این ما هستیم که مسئولیم ما به قدر کافی در زمینه‌های مختلف اسلامی کتاب به زبان روز عرضه نکردیم. اگر ما به قدر کافی آب زلال و گوارا عرضه کرده بودیم طبیعی است که اینها سراغ اندیشه‌های انحرافی نمی‌رفتند». می‌خواهم عرض کنم که این ویژگی استاد بود که متناسب با زبان روز، متناسب با مخاطبان خاص خودش مکتب را عرضه کرد و چون این‌گونه ورود پیدا کرد، طبیعی بود که دانشگاه با همه وجودش پذیرای او باشد و از ایشان استقبال کند. پس علت حضور ایشان به دانشگاه یکی به جهت نیاز به تبیین صحیح مکتب و دیگری وجود زمینه‌های انحراف و خرافه در دامن دین بود. بنابراین تصمیم گرفت به فضاهای علمی ورود پیدا کند و زمینه‌های انحرافی را شناسایی و با آن بصورت عالمانه مقابله نماید که بحمدالله توفیقات بزرگی هم در این راستا داشتند.

حبل‌المتین: نقش ایشان در وحدت حوزه و دانشگاه چگونه است؟ آیا می‌توانیم بگوییم شهید مطهری را طلایه‌دار وحدت حوزه و دانشگاه دانست؟

من معتقدم یکی از شخصیت‌هایی که در شکل‌گیری وحدت حوزه و دانشگاه تأثیر داشت شهید مطهری بود، شخصیتی که از دل حوزه بیرون آمد و در میدان دانشگاه قرار گرفت و پاسخگوی نیازهای دانشجویان شد، این نشان از نقش خاص شهید مطهری در ایجاد و شکل‌گیری وحدت بین دانشگاه و حوزه دارد. در شهید مطهری این ویژگی را می‌بینیم که ایشان هم با حضور در دانشگاه به این مسئله قوت بخشید و هم با آثار خود و هم با پاسخ‌گفتن به سؤالات و شبهاتی که در میان دانشجویان و نسل جوان بود؛ ایشان نظرشان این بود که ما باید نیازهای این نسل را در نظر بگیریم، نسل جوان است که امروز دغدغه دارد. لذا تعبیری که «این نسل تشنه اصلاحات نابسامانیهاست و فردا تشنه‌تر خواهد شد» می‌فرماید: ما باید نیازهای این نسل را برآورده کنیم، فکر این نسل از نظر مذهبی آن چنان که باید راهنمایی نشده است با این رویکرد ایشان در فضای دانشگاه وارد می‌شود. برای پاسخ‌گفتن به نیازهای این نسل، نگاه ایشان را در این جمله ببینید: «اگر فکری برای هدایت و رهبری این نسل نشود آینده به کلی از دست خواهد رفت». استاد مطهری وقتی با این نگاه وارد دانشگاه شد بدیهی است که در دانشگاه تأثیر می‌گذارد به همین جهت باید اعتراف کرد شهیدمطهری از جمله کسانی است که در وحدت بین حوزه و دانشگاه نقش کلیدی داشت و بسیاری از دانشجویان را شیفته تفکرات علمی و دینی خودش کرد و زمینه ساز و پایه گذار وحدت حوزه و دانشگاه شد.

حبل‌المتین: با توجه به اینکه استاد احساس نیاز به حضور در دانشگاه و بین دانشجویان کردند در خصوص زمان‌شناسی و آگاهی از شرایط و ویژگیها و روحیات نسل جدید به ویژه دانشجو نظر استاد چه بود؟

در خصوص نسل جوان شهید مطهری تعابیر بلندی دارد و می‌فرماید «روشی که ما در مقابل این نسل پیش گرفته‌ایم درست نیست» باز در تعبیر دیگر می‌گوید: «متأسفانه در بحث شناسایی نسل جوان آن‌طور که باید و شاید توجه نشده». می‌طلبد که نسبت به این مسئله توجه شود. می‌گوید: «ابتدا باید نسل جوان را بشناسیم، نسل جوان ما مزایا و عیب‌هایی دارد؛ زیرا این نسل یک نوع احساسات و ادراکاتی دارد که در گذشته نبوده و از این جهت باید به او حق داد. در عین حال انحرافات فکری و اخلاقی دارد باید آنها را شناخت و چاره‌اندیشی کرد و چاره کردن این انحرافات بدون در نظر گرفتن مزایا و بدون احترام گزاردن به آنها میسر نیست. باید برای به این نسل احترام قائل شد. اگر بخواهیم به این امور بی‌اعتنا باشیم محال است که بتوانیم جلوی انحرافات را بگیریم». بالأخره امروز جوان ما صاحب فکر است، صاحب منطق است، اگر بخواهیم او را کمک کنیم، اگر بخواهیم به او جهت بدهیم، باید به ویژگی‌های این نسل توجه کنیم. ما متأسفانه از این نکته غافل بودیم. ایشان در عباراتش دارد که «فکر این نسل از نظر مذهبی آن‌چنان که باید هدایت نشده». پس می‌طلبد که ما آنان راهنمایی و کمکشان کنیم. همه این تعابیر نشان از این است که جوان ما نیاز به هدایت و حمایت دارد و نیاز دارد که ما او را کمک بکنیم و این وظیفه به دوش روحانیان ما و کسانی است که در مباحث علمی و فرهنگی کار می‌کنند رسالت و وظیفه‌ای سنگین بر عهده دارند و باید با تاسی به فرمایشات شهید مطهری و سیره عملی ایشان زمینه‌های شکل‌گیری انحراف در افکار نسل جوان را از بین ببریم.

حبل‌المتین: نقش استاد مطهری را در پاسخگویی به شبهات و جلوگیری از انحراف را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من می‌خواهم عرض کنم که یکی از شخصیت‌هایی که در پاسخگویی به شبهات نقش بسیار مهمی را ایفا کرد شهید مطهری بود. ایشان می‌رفت سؤالات و شبهات نسل جوان را شناسایی و رصد می‌کرد، و در صد پاسخگویی به آنها برمی‌آمد. به تعبیر بنده یکی از کسانی که دغدغه پاسخگویی به شبهات داشت شهید مطهری است و انصافاً در این میدان خوب عمل کرد، پاسخ‌هایی که ایشان دارند اکنون نیز قابل استفاده است و بسیاری از مسائل را ایشان آن موقع حل کردند پس بحث پاسخگویی به شبهات از ویژگی‌های ایشان است و معتقد بود که ما درون حوزه و درون دانشگاه باید بستر پاسخگویی به شبهات را فراهم کنیم. این بستر را شهید مطهری فراهم کرده بود با جلساتی که گذاشته بود. بسیاری از شخصیت‌هایی که امروز هستند خودشان را مدیون افکار شهید مطهری می‌دانند چرا که آن زمان ایشان با دغدغه پاسخگویی به سؤالات و پاسخ به تردیدها و حل تردیدها و شبهات به میدان می‌آمد و نسبت به سؤالات هم استقبال می‌کرد. بعضیها در برابر سؤال و تردید ممکن است جبهه خوبی نگیرند. شهید مطهری از سؤال، از شک، از تردید، استقبال می‌کرد. این خیلی نکته مهمی است که می‌فرمود

«شک مقدمه یقین است. شک معبر و گذرگاه خوبی است اما توقفگاه نامناسبی است. اگر تردید و شک به وجود می‌آید در ذهن من، اگر به دنبال این باشم که به پاسخ آن برسم و به یقین برسم، این شک خوب است. یک سری تردیدها در ذهن انسان به وجود می‌آید و طبیعی هم هستند ولی زمینه می‌شود که من به یقین برسم».

ایشان فرمود اگر توقفگاه نباشد یعنی انسان بتواند از آن یک گذرگاهی به وجود آورد که به یقین برسد، بسیار خوب است. بنابراین ایشان از شک، از تردید، از دودلیها، از سؤالاتی که به وجود می‌آید، استقبال می‌کرد و می‌رفت به دنبال پاسخ به سؤالاها و این را در آثار شهید مطهری می‌دیدیم و در این کار انصافاً ایشان موفق بودند. امروز جوانان ما سؤالات و تردیدها و شبهات زیادی جوان ما دارد. ما روحانیان و مدرسین و کسانی که در کسوت تعلیم و تدریس هستیم می‌باید پاسخگوی نیازها باشیم. مراکز علمی ما، به خصوص حوزه‌های علمی ما، نسبت به این مسئله متناسب با زبان خاص مخاطبان باید پاسخگو باشند که الحمد لله کارهای بزرگی در نظام جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است. اما نسبت به هجمه‌های دشمن نسبت به سؤالات و شبهه افکنی دشمن، هنوز می‌طلبید که بیشتر کار کنیم و این آینده‌نگری را شهید مطهری داشت و ما به تاسی از شهید مطهری باید پاسخگویی به شبهات را در دستور کار خود قرار دهیم.

حبل‌المتین: با توجه به مسئله موج بیداری که جهان اسلام را در بر گرفته استاد مطهری در مورد بیداری اسلامی و نقش مصلحان جهان اسلام چه نظراتی داشتند؟

امروز بحث بیداری اسلامی یکی از مسائل مهمی است که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) مطرح می‌کنند و امام امت، هم در این رابطه تعابیری دارند و سالهای قبل نوید این را دادند که کشورهای اسلامی، آحاد مسلمانان این زمینه بیداری در آنها شکل می‌گیرد، از جمله شخصیتها که نسبت به بحث بیداری اسلامی به میدان آمدند و نکات مهمی را مطرح کرد شهید مطهری بود، ایشان در کتاب معروف نهضت‌های اسلامی صد ساله اخیر وقتی از مصلحان یاد می‌کند به سید جمال الدین اسدآبادی که می‌رسد می‌فرماید که «بیدار سازی کشورهای اسلامی را سید جمال آغاز کرد. او بود که بیدار سازی را در کشورهای اسلامی آغاز کرد». خیلی تعبیر مهمی است. سید جمال خیلی با صراحت دردهای اجتماعی مسلمین را با واقع بینی خاص بیان کرد، راه اصلاح و چاره‌جویی را نشان داد. او کسی بود که رستاخیزی را در اندیشه مسلمانان به وجود آورد، هم در اندیشه مسلمانان و هم در نظامات زندگیشان. باز شهید مطهری درباره ایشان نقل می‌کند که «سید به کشورهای مختلف رفت و دردهای کشورهای اسلامی را شناسایی کرد». شهید مطهری معتقد است مصلحان نقش مهمی داشتند در بیداری اسلامی و همان تعابیری است که حضرت امام و مقام معظم رهبری دارند و عجیب این است که شهید مطهری می‌فرماید

که «سید جمال هم رسیده بود به اینکه مهم‌ترین درد جامعه اسلامی استعمار خارجی است». امروز می‌بینیم استعمار و دشمن زمینه ایجاد اختلاف، تجزیه بین مسلمانها، بحث شیعه و سنی را مطرح می‌کند، برای اینکه جلوی آگاهی و اتحاد آحاد مسلمانان را بگیرند. سید جمال با این زمینه‌ها به شدت مقابله کرد و به دنبال این بود که مسلمانان آگاهی پیدا کنند و می‌خواست زمینه‌های مجد و عظمت از دست رفته مسلمانان را با آگاهی دادن به وجود بیاورد؛ شهید مطهری می‌فرماید که «سید جمال معتقد بود اگر می‌خواهیم به آن عظمت گذشته برگردیم باید به اسلام ناب برگردیم. ایشان می‌فرماید: «یکی از مصلحان که بیداری اسلامی را دنبال کرد سید جمال بود که اتحاد اسلام را شکل داد» و تعبیر ایشان این است که «دستهای مرئی و نامرئی زمینه‌های وحدت را از بین می‌برد و مبارزه با حرکت دشمنان از کارهایی بود که سید جمال دنبال کرد». بنابراین یکی از کسانی که در بحث بیداری توجه داشت، شهید مطهری است که در بحث ورود به شخصیتها و کسانی که جزء مصلحان صد سال اخیر بودند می‌گوید «سید جمال با این اندیشه به میدان آمد و از این ترفند دشمن که تفرقه بین مسلمانان است، پرده برداشت. نگاه ایشان همان نگاه حضرت امام و مقام معظم رهبری است که می‌طلبد که ما الآن در این شرایط خاص همچنان که همه آحاد مسلمانان در کشورهای مختلف به خصوص در خاورمیانه بیدار شدند، نسبت به ترفندهای دشمن مسئله بصیرت‌افزایی را دنبال و با آگاهی بیشتر و با اتحاد بیشتر زمینه‌های عظمت و منزلت و عزت اسلام و مسلمانان را در دنیا فراهم کنیم.

حبل‌المتین: به عنوان جمع‌بندی نهایی نقش اندیشه‌های استاد مطهری در شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران را بیان فرمایید؟

برای پاسخ به این سؤال دوباره به تعبیر حضرت امام و مقام معظم رهبری برمی‌گردم که ایشان چند تعبیر دارند که نشان می‌دهد چقدر فکر و اندیشه‌های شهید مطهری در شکل‌گیری نظام نقش دارد. امام می‌فرماید «شهید مطهری نقش مهمی در ساختن نظام جمهوری اسلامی داشتند». این تعبیر مقام معظم رهبری است «ترویج افکار مطهری باعث تعمیق نظام شده است» و آن تعبیر که مطهری «مشعل میدان اندیشه است» نشان می‌دهد که شهید مطهری دیدگاهشان در شکل‌گیری نظام در تداوم ریشه‌های نظام بسیار مؤثر است. در تعبیری دارد که «تحقق افکار شهید مطهری نیاز اساسی انقلاب اسلامی است» و «پایه ریزی شکل‌گیری نظام برمی‌گردد به آثار شهید مطهری». در شرایطی که آن نظام می‌خواست شکل بگیرد تئورسی‌نهایی مثل شهید مطهری مثل شهید بهشتی بودند به میدان آمدند و توانستند زمینه پایه‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی را استوار نمایند. به همین جهت است که مقام معظم رهبری می‌فرماید «آثار شهید مطهری مبنای فکری نظام جمهوری اسلامی است». ان

شاء الله بتوانیم از این ظرفیتی که وجود دارد استفاده کنیم و در تداوم انقلاب اسلامی از آثار ایشان بهره وافی را ببریم.

حبل المتین: جناب استاد در پایان اگر نکته خاصی است، مطرح بفرمایید.

نکته ای که باید عرض کنم این است که نشریه حبل المتین مربوط می شود به مدارس علوم دینی اهل سنت، در این مدارس خوب است به ویژگیهای استاد مطهری در بعد تدریس و پژوهش توجه ویژه شود تا بدانیم یک معلم موفق دارای چه ویژگیهایی است، شهید مطهری در این رابطه الگو است، من مدرسان محترم را به روش شناسی تدریس ایشان ارجاع می دهم که خیلی کمک می کند. ایشان همیشه با مطالعه در کلاس حاضر می شد، یک استاد هر وقت می خواهد ورود به تدریس پیدا کند باید با مطالعه باشد و از ویژگیهای دیگر استاد ارتباط تنگاتنگ با شاگرد است که من در کتاب رمز موفقیت استاد مطهری چند نکته را آورده ام، یکی این که از ویژگیهای بارز تدریس ایشان این بود که از موضوع درس خارج نمی شد. یک استاد وقتی تدریس می کند، همان موضوعی را که تدریس می کند بیان کند، خارج از آن موضوع ورود پیدا نکند. حد و مرز موضوعات را خوب می شناخت یعنی ورود به سؤالات متفرقه نمی کرد در حیطه آن موضوع بیان می کرد. از دیگر نکته های تدریس ایشان این بود که سبک تدریس ایشان سبک ساده بود. این طور نبود که طوری مسائل بیان شود که مخاطب و شاگرد و دانشجو و طلبه ایشان مطلب را نگیرد مطالب را بسیار روان بیان می کرد و شاگرد مطالب را می گرفت از مهمترین ویژگیهای استاد مطهری در بعد علمی و پژوهشی نقد منصفانه ایشان به اندیشه های مخالف اعم از مادیگرایان، التقاطیون و منحرفین بود. ایشان هیچ گاه در نقد افکار آنها به اهانت یا نسبتهای دروغ متوسل نمی شد بلکه نظریات آنان را آن گونه که بود نقل و ادله آن را تبیین می کرد، سپس به صورت مستدل به رد نظریات آنها می پرداخت، و این درس بزرگی است که همه اساتید و نویسندگان باید از شهید مطهری بیاموزند. ویژگی دیگر این است که ایشان احترام فوق العاده ای برای اساتید قائل بود، همیشه از استادان خودش کسانی که در او تأثیرگذار بودند با عظمت و عزت یاد می کرد. شهید مطهری در طول مدت زندگی معلم بود. این ضروت دارد آحاد مدرسین و روحانیان ما از این سبک و سیره علمی و عملی زندگی ایشان که یک معلم موفق بودند، درس بگیرند.

حبل المتین: جناب دکتر نگارش، الحمد لله مباحث خوبی مطرح شد امیدواریم خوانندگان محترم نشریه استفاده لازم را از این گفتگو ببرند، از این که فرصتی را به فصلنامه حبل المتین اختصاص دادید، تشکر می کنیم. بنده هم متقابلاً از شما و دیگر دست اندرکاران این فصلنامه که زحمت چاپ آن را می کشید، تقدیر و تشکر

می-کنم و امیدوارم در مسیر ادای این وظیفه بسیار مهم که تقویت وحدت و برادری در عرصه هم زیستی و افزایش هم گرایی و هم سویی بین علما و اندیشمندان مذاهب اسلامی است، موفق باشید. إنشاء الله.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی